چند ارزشی بودن احکام، ریشه اختلاف روایات و تفکیک آن از تقیه

بنابراین ببینید حرف صاحب حدائق در اینجا چیست؟ در حدائق هم خیلی این را تکرار می‌کنند. مدام می‌گویند تقیه. عرض من این است: من می‌خواهم عرض کنم که روایت پنجم اصلاً مربوط به اختلاف افکنی‌ای که حکم را دو جور بگویند نیست. همه آن‌ها مبهم است. در این ششمی هم حضرت آیه را جواب دادند. حکم شرعی نبود. در دلم آمد تقیه است، یعنی تقیه است در بیان یک آیه. نگفته حکم بود یا نبود. شما می‌خواهید از این شش روایت این قاعده مهم را در بیاورید. آن چه که اساس حرف من است این است: اتفاقا این روایاتی که شما آورده‌اید، دلالت دارد بر این‌که احکام شرعی به‌صورت پنج ارزشی که منظم شده، نزد معصومین در واقع خیلی بیشتر از پنج تا است. ده تا و بیست و تا و پنجاه تا است. این خیلی مهم است. شما مدام می‌آیید و می‌گویید تقیه است. چرا؟ «لیلقوا الاختلاف». خب آن اختلاف که افتاده و تمام شد و رفت. علماء شیعه این قدر نفهمیده‌اند این چیزی که آن وقت نیاز بود، الآن این جور در کتاب فقه گرفتارش شوند؟! این‌طور نیست. روایاتی که در آن‌ها اختلاف آمده همان راه استبصار مرحوم شیخ درست است.

بازبینی #1
ایجاد شده 21 آوریل 2026 14:37:37 توسط ... .
به روزرسانی شده 21 آوریل 2026 14:38:16 توسط ... .